

آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای از منظر فقه اسلامی

سعید طالقانی^۱

چکیده

آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای از منظر فقه اسلامی مسئله اصلی این تحقیق است. سؤالی اصلی پژوهش این است که «دیدگاه فقه اسلامی در باره آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای چیست؟» این تحقیق، با روش اجتهادی، استدلالی و تحلیلی پاسخی بدین سؤال داده است که بر اساس آن می‌توان گفت از منظر فقه اسلامی آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای که منجر به تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی می‌گردد به حکم اولی حرام است. اما اگر باعث بازدارندگی دفاعی گردد و یا سبب مقابله یا دفع کاربرد سلاح هسته‌ای دشمن شود ایرادی ندارد. با توجه به حقیقت و ماهیت این تحقیق، روش جمع‌آوری اطلاعات و معلومات در آن، کتابخانه‌ای است. به‌رغم اهمیت این موضوع در عصر حاضر، در زمان حضور معصومین^(ع) هیچ اثری از دانش ساخت سلاح هسته‌ای نبوده است تا حکم آن را بیان کنند. با این حال نگارنده مقاله حاضر، به این نتیجه رسیده است که حکم سلاح هسته‌ای را از منظر فقه اسلامی بر اساس برخی از ادله شرعی می‌توان به‌دست آورد.

واژگان کلیدی: فقه اسلامی، حکم، دانش، آموزش، ساخت، سلاح هسته‌ای، دلیل.

۱. دکتری فقه سیاسی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، ایران، قم.

مقدمه

در عصر معصومین^(ع) اثری از دانش ساخت سلاح هسته‌ای نبوده است، اگرچه نمونه‌های از علوم مضر مانند علم سحر و کهنانت و... در آن زمان موجود بوده‌اند که فقها درباره حرمت آن موضع‌گیری داشته‌اند. اما با پیشرفت دانش در عرصه‌های گوناگون، از جمله در عرصه نظامی و دفاعی که با ظهور دانش و تکنولوژی‌های نوین سلاح‌سازی مدرن همراه بوده، در حال حاضر از نظر دکتترین نظامی، دستیابی به دانش سلاح‌های روزآمد و بازدارنده بسیار حائز اهمیت است.

اسلام نیز بسان سایر ادیان، برای بازدارندگی دفاعی، بر آمادگی دائمی و تحصیل دانش ساخت سلاح‌های نوین رایج هر عصر تصریح می‌کند و حتی برخی از نصوص دینی، مبنی بر آموزش دانش ساخت سلاح بازدارنده، برای مقابله با تهدیدهای احتمالی دشمن، اقتضای شأنی دارد. از سوی دیگر مسئله آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای اگر منجر به تولید و استفاده از آن گردد با توجه به پیامدهای سوء و منفی کاربست آن، اسلام، آن را یک پدیده‌ای زشت و غیر اخلاقی می‌داند. باید در این خصوص دیدگاه اسلام را جست‌وجو کرد. از این‌رو، ضروری است تا حکم آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای از منظر فقه بررسی گردد. زیرا موضع‌گیری دین اسلام در خصوص منافات داشتن یا نداشتن آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای با آموزه‌های اسلامی، از زمان ورود سلاح هسته‌ای در عرصه نظامی مورد سؤال بوده است. پس بررسی فقهی آموزش آن با توجه به حساسیت‌های موجود جهان بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، تبیین دقیق حکم فقهی این موضوع می‌تواند موجب شفاف شدن مسائل آن، از نظر فقه اسلامی گردد.

در مقاله حاضر تلاش شده است که نوع نگاه دانش فقه اسلامی را در خصوص این‌که حکم آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای حکم اولی، یا ثانوی است روشن سازد. البته در باره موضوع مورد پژوهش، تاکنون هیچ تحقیقی از دیدگاه فقه اسلامی صورت نگرفته، طبعاً این موضوع نیازمند تحقیق است. هدف اصلی پژوهش نیز تبیین دیدگاه فقهی برای فراهم نمودن بستر تصمیم‌سازی جهت آموزش دانش

سلاح‌سازی برای نیروهای اسلام است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. دانش ساخت سلاح هسته‌ای

مراد از دانش ساخت سلاح هسته‌ای، دانشی است که فقط برای نحوه ساخت، آزمایش، انباشت، توسعه و کاربرد سلاح هسته‌ای به کار می‌رود و در خصوص تعریف سلاح هسته‌ای نیز گفته شده است: «سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای و یا از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار و یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده است.» (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

۱-۲. فقه

اندیشمندان علم لغت، واژه فقه را به معنای نوع خاص از فهمیدن، ادراک و علم دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ماده فقه؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۳). در اصطلاح «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة؛ فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی است.» (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲).

۱-۳. حکم

واژه حکم، مصدر و اسم مصدر از ریشه «حکم یحکم»، به معنای استحکام و اتقان (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۲؛ فیومی، ۱۴۰۵، ص ۱۴۵)، داوری کردن به عدل، دانش و حکمت آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۱۸، ذیل واژه).

در اصطلاح، برای «حکم» تعریف‌های گوناگونی مطرح شده‌اند؛ مانند قانون وضع شده از جانب خداوند برای تنظیم حیات بشری. (صدر، ۱۴۰۶، ص ۱۶۱)، خطاب شرعی (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۵)، بعث ناشی از اراده شارع (خمینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۴) و قانونی که شارع مقدس، به منظور اصلاح امور معاش

و معاد و رفتار فرد و جامعه تشریح کرده است.

در یک تقسیم‌بندی، ما دو نوع حکم شرعی داریم که عبارتند از حکم اولی و ثانوی؛ نوع دیگری از احکام نیز به نام احکام حکومتی در اندیشه فقهی شیعه وجود دارند که در استنباط احکام فقهی و اداره جامعه‌ای اسلامی بسیار مؤثرند. حکم اولی و ثانوی را برخی چنین تعریف کرده‌اند: «حکم اولی حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آن‌ها بار می‌شود؛ مثل وجوب نماز و روزه و حرمت نوشیدن شراب، ولی در برابر آن حکم ثانوی حکمی است که بر موضوعی به وصف اضطرار، اکراه، ضرر، حرج، فساد و دیگر عناوین عارضی بار می‌شود، مانند جواز افطار، روزه ماه رمضان برای کسی که گرفتن آن، حرجی است و یا ضرر دارد.» (مشکینی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۱؛ خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴).

۲. حکم آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای از منظر فقه

درباره آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، میان فقهای جهان اسلام وحدت نظر مشاهده نمی‌شود، اما با استناد به ادله متعدد می‌توان به منع آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای رسید. در اینجا نخست دیدگاه حرمت و ادله که می‌توان در پرتو آن به منع آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای دست یافت، مطرح می‌گردد. سپس انگاره جواز و ادله آن را مورد نقد و بررسی فقهی قرار خواهیم داد.

۲-۱. دیدگاه حرمت

نیاز به آموزش دانش و کاربرد فناوری هسته‌ای در حوزه‌های مختلف حیات انسانی به حدی مورد نیاز است که باصراحت می‌توان گفت امروزه بخشی از ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی انسان‌ها به گونه‌ای محسوس تحت تأثیر این دست آورد علمی و دانش نوین قرار گرفته است؛ مثلاً در بخش تولید انرژی و در زمینه‌های پزشکی، صنعتی، کشاورزی، حضور پررنگ و راه‌گشای اصل این فناوری به روشنی قابل مشاهده است و انتظار می‌رود تا همه جوامع انسانی در پرتو الزام عملی تمام کشورهای جهان به سیاست راهبردی اعلام شده از سوی آژانس بین‌المللی اتمی

مبنی بر «اتم برای صلح» و اجرای مفاد کنوانسیون خلع سلاح جهانی، بدون تبعیض به آموزش دانش صلح‌آمیز هسته‌ای دست یابد و از ثمرات آن بهره‌مند گردد؛ بنابراین در باره اصل آموزش دانش صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای بحثی نیست، بلکه گفت‌وگوی فقهی در خصوص آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای است.

۲-۱-۱. مقتضای اصل اولی

قبل از بررسی ادله نقلی، نخست لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که مقتضای اصل^۱ اولی درباره آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای چیست؟ در این باره به اختصار می‌توان گفت تا آنجا که بررسی شده است، اصل اولی در خصوص حکم آموزش دانش نافع جواز است. بنابراین در عرصه آموزش دانش و فنون نظامی و ساخت سلاح برای شکست دشمن و رسیدن به پیروزی، تولید و کاربرد هر نوع سلاح جنگی که موجب پیروزی نیروهای اسلام، علیه دشمن گردد، به دلیل اصل مجاز خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۶۹-۷۰).

اما در بحث آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای که از علوم مضره است و خروجی آن جز تولید سلاح کشتار جمعی که متصف به فساد، وزر و اعتداء می‌شود نیست، پس مناسبت حکم و موضوع اقتضاء دارد که افزون بر تولید و کاربرد این نوع سلاح، حتی آموزش دانش آن نیز حرام باشد. زیرا اولاً، این دانش فسادآور است و آموزش آن مقدمه منحصره حرام است؛ ثانیاً، دین اسلام دین رحمت است؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، آیه ۱۰۷) و رسولان الهی نیز مأمور به آموزش علوم بوده

۱. برای اصل، معانی مختلفی مطرح شده است که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف: اصل به معنای اساس و ریشه چیزی است. (ابراهیم انیس و دیگران، معجم الوسیط، ص ۲۰).

ب: اصل به معنای اغلب و وقوعاً، این مفهوم از اصل در واقع بیان‌گر غلبه وقوع عینی و خارجی یک حادثه یا چیزی است.

ج: اصل به معنای قاعده کلی و عام‌سان؛ برخی از اصول برگرفته از آیات و روایات که در ابواب گوناگونی فقهی کاربرد دارند و به آن قواعد فقهی گفته می‌شود.

د: اصل به معنای اصل عملی در فقه (دلیل حیث لادلیل) است، بنابر آنچه گفته شد، در این بحث مراد از اصل، اصل عملی فقهی است که اگر چیزی حالت استثنائی داشته باشد، الزاماً باید با دلیل ثابت گردد و در غیر این صورت اصل بر مورد مشکوک هم‌چنان حاکم خواهد بود.

است که برای جوامع انسانی نافع باشد؛ قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ»؛ و به سود شما، صنعت ساختن پوشش‌های دفاعی را به او آموختیم تا شما را از {آسیب} جنگتان محافظت کند (انبیاء، ۸۰). در این آیه، خداوند از آموزش علم صنعت زره‌بافی به داود سخن می‌گوید که یک نوع علم صنعت‌سازی است و دیگران نیز می‌توانند از طریق فکر و آموزش این صنعت را فرا بگیرند و تعبیر «وَعَلَّمْنَاهُ» شاهد این مطلب است.

همچنین قرآن در خصوص علم داوود و سلیمان می‌گوید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا»؛ و همانا ما به داوود و سلیمان علمی [ویژه] دادیم (نمل، آیه ۱۵). وجود عبارت «علمًا»، در آیه به صورت نکره، بیانگر ویژگی دانشی است که به داوود و سلیمان داده شده بود، آنان از آن در راه اطاعت خداوند و خدمت به خلق استفاده می‌کردند. ولی دیده نشده است که برای آموزش علوم ساخت سلاح‌های نابودکننده خلق، اقدام کرده باشند؛ و یا در سوره سبأ می‌فرماید: «وَأَلَّنا لَهُ الْحَدِيدَ»؛ و آهن را برای او نرم کردیم (سبأ، آیه ۱۰). اما داوود با استفاده از آهن به صنعت و فنون ساخت سلاح کشتار جمعی روی نیاورد، حال اگر اصل بر جواز آموزش دانش سلاح کشتار جمعی بود، پس چرا رسولان الهی به آموزش یا اختراع صنعت ساخت این نوع تسلیحات اقدام نکردند. پس با عنایت به آنچه ذکر شد، اصل اولی «عندالشک» بر عدم جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای جاری است؛ مگر مواردی که از تحت آن یقیناً خارج شده باشد.

۲-۱-۲. مقتضای ادله نقلی

اما براساس ادله نقلی نیز برخی از اندیشمندان جهان اسلام در باره آموزش دانش مضره بسان سحر، کهنانت ... و دانش ساخت سلاح هسته‌ای موضع‌گیری منفی داشته‌اند. از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای را حرام تلقی کرده است: «والقسم الثالث من العلوم، العلوم المضرة... و منها العلوم التي تساهم في صناعة أسلحة الدمار الشامل كالقنابل الذرية والأسلحة الكيماوية وأمثال ذلك، فتعلم مثل هذه العلوم وتعليمها حرام في الإسلام، لأنها تكون مقدمة

للحرام؛ قسم سوم از علوم، دانش مضره است... و یکی از آن‌ها دانشی است که در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی بسان؛ بمب اتمی، سلاح شیمیایی و امثال آن کمک می‌کند. پس آموزش و یادگیری این نوع دانش‌ها در اسلام حرام است، زیرا این دانش مقدمه حرام است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۴۶-۴۴۷).

برخی دیگر نیز آموزش دانش ساخت سلاح‌های کشتار جمعی را به حکم اولی حرام می‌داند: «إِنَّ كُلَّ عِلْمٍ يَبْعَثُ عَلَى الْفَسَادِ وَيُضِرُّ الْفَرْدَ أَوْ الْمَجْتَمِعَ فَتَعَلَّمَهُ حَرَامٌ مِنْ مَنْظُورِ إِسْلَامِي، كَالسَّحَرِ... أَوْ عِلْمِ أَسْلِحَةِ الدَّمَارِ الشَّامِلِ، إِذَا كَانَ لِلدَّفَاعِ أَوْ لِأَغْرَاضِ سَلِيمَةٍ؛ هَرَّ عِلْمٍ كَهَ مَنْجَرٍ بَهْ فَسَادٍ وَضَرَرٍ فَرْدٍ وَجَامِعِهِ گَرْدَدِ، أَمُوزَشْ آن از نظر اسلام حرام است، مثل سحر... و علم ساخت سلاح کشتار جمعی؛ مگر این‌که آموزش آن برای دفاع و یا برای اهداف مشروع و صلح‌آمیز باشد.» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۲۵).

امام خمینی^(ع) در خصوص این بحث می‌فرماید: «علم و تخصص بدون تهذیب و تربیت، بلایی است که امروز بشر به آن مبتلا شده است. ممکن است عالم را به آتش بکشد و مسابقه و رقابت دو ابرقدرت در مجهز شدن به سلاح‌های مدرن هسته‌ای که از مبادی شیطانی و نفسانی سرچشمه می‌گیرد، چه مصیبت‌هایی امروز برای بشریت دارد؛ مگر آن‌که دستی از غیب بیرون آید و بشریت را نجات دهد.» (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۹۰) و امام علی^(ع) می‌فرماید: «رَلَّةُ الْعَالِمِ تُفْسِدُ عَوَالِمَ»؛ لغزش دانشمند جهان را تباه می‌کند (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۶۹).

البته؛ هرچند اصل دانش هسته‌ای در عصر حاضر یکی از بزرگترین دست‌آورد بشری است، ولی دانش ساخت و استفاده از اتم به‌عنوان سلاح کشتار جمعی امروز جهان را به نابودی سوق می‌دهد. این اظهار نظرهای اندیشمندان جهان اسلام نشان می‌دهد که میان فقهاء در خصوص آموزش دانش مضره؛ مانند دانش ساخت سلاح هسته‌ای وحدت نظر وجود ندارد و براساس قاعده حرمت تمهید مقدمات حرام، آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای به دلیل مقدمیت نسبت به تولید و استفاده از آن، آموزش دانش ساخت این نوع تسلیحات مقدمه سببی در ایجاد حرام تلقی

می‌شود. از این رو، صرف آموزش آن نیز به حکم اولی حرام است. اما در خصوص وضعیت ثانوی آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز می‌توان گفت، حال بر فرض که بر اساس مبنای حکم اولی شرع اسلام نتوان به آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای و در نتیجه به تولید و بهره‌گیری از آن روی آورد، ولی در فقه اسلامی این ظرفیت وجود دارد که براساس برخی از قواعد، مانند؛ اضطرار، مصلحت و مقابله به مثل که هر محظور و ممنوعی را به وقت حاجت مباح می‌شمارد، بتوان براساس مصلحت‌اندیشی برای آن پشتوانه شرعی پیدا کرد و صرف آموزش این علوم را برای برخی از فروع ذیل مجاز دانست.

۱-۲-۱-۲. آموزش در فرض اضطرار

یکی از موارد جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای در ظرف اضطرار یا حکم ثانوی است. واژه «اضطرار» در لغت مصدر باب افتعال به معنای ناچار شدن و یا ناگزیر شدن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه اضطرار). در اصطلاح حقوقی معانی مختلفی برای آن ذکر شده است؛ از جمله این که اضطرار بیانگر حالت شخصی مکلف است که خطر بسیار شدید، جان یا مال او یا اشخاص دیگری را تهدید می‌کند، مکلف برای دفع آن ناچار است تا عمداً فعلی را انجام دهد که انجام آن در شرایط عادی یقیناً جرم و گناه محسوب می‌گردد. در اصول نیز اضطرار آن است که با وجود آن حرمت فعل محرم برداشته و مجازات آن منتفی می‌گردد؛ یعنی «کلّ حرام مضطرّ الیه فهو حلال» و یا «الضرورات تبيح المحظورات» که به معنای ضرورت است و ضرورت اسم برای مصدر اضطرار است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۶). به نظر می‌رسد، این دو عنوان به یک معنی هستند، چنان‌که اکثر فقها نیز بر این عقیده‌اند که نگاه کردن به زن نامحرم در هنگام ضرورت مانند موارد شهادت یا طبابت جایز است، اما شخص مضطر باید به اندازه که اضطرار دارد نگاه کند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۲۶۹). بنابراین، در حال اضطرار ارتکاب هر ممنوعی مجاز می‌گردد و بحث اضطرار یکی از عناوین ثانویه است. پس در شرایط اضطرار آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای برای دفع اضطرار، بسان سایر محرّمات مجاز خواهد

بود. زیرا برخی از فقهای معاصر حتی کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را از باب ضرورت مجاز دانسته‌اند (مدرسی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۷۰؛ و ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۱). تا چه رسد به آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای که قطعاً مجاز خواهد بود. قاعده اضطرار مدارک فراوانی از آیات و روایات دارد، قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (وی می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد) خداوند بخشنده و مهربان است (بقره، ۱۷۳؛ نحل، ۱۱۵).

هرچند اضطرار در این آیه در مورد اکل و شرب و خوردن گوشت میته است که در وضعیت اضطراری می‌تواند از آن استفاده کرد، لکن قاعده اضطرار یک قاعده عام است و در جای جای فقه اسلامی جاری می‌شود، از جمله اضطرار عرصه‌ای نظامی را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین در حال اضطرار می‌توان به آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای روی آورد. از جمله روایاتی که بر این قاعده دلالت دارد، روایات معتبره سماعة است، این روایت از موسی بن جعفر^(۲) نقل شده است: «لَيْسَ شَيْءٌ مِّمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ»؛ هیچ حرامی نیست مگر این که خداوند در صورت اضطرار آن را حلال کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۴۸۳، ح ۷). پس اطلاق این حدیث هرآنچه را که در حالت عادی انجام آن حرام است، در وضعیت اضطرار جایز دانسته است و از طرف دیگر واژه «شیء» نکره در سیاق نفی است و دلالت بر عموم دارد و شامل تمامی محرمات، از جمله آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز می‌گردد. اما از نظر سند هرچند زرعة بن محمد را نجاشی توثیق کرده‌اند ولی از آن جا که واقفی است روایت‌های وی معتبره نیست (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۶).

۲-۲-۱-۲. آموزش در فرض مقابله به مثل

یکی از مواردی که احتمال جواز آموزش علوم هسته‌ای وجود دارد بحث مقابله به مثل است. به این معنا که اگر در عرصه درگیری‌های مسلحانه، دشمن با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، بر مواضع نیروهای اسلام حمله کرد، آیا برای سربازان اسلام به عنوان حکم ثانوی یا مقابله به مثل جایز است تا دانش ساخت سلاح هسته‌ای را یاد بگیرد و به تولید و به کار بست سلاح هسته‌ای علیه مواضع دشمن مبادرت ورزد یا خیر؟

برخی اذعان کرده‌اند که در صورت مقابله به مثل نه تنها آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای جایز است، بلکه حتی استفاده از چنین سلاح‌ها نیز برای حکومت اسلامی مجاز خواهد بود (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۹۹؛ الکاسانی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۷). زیرا، قرآن بر جواز مطلق مقابله به مثل در هر عرصه (از جمله جنگ) تصریح می‌کند: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴).

با استناد به این آیه ادعا شده است که مقابله به مثل، در عرصه‌های فردی، گروهی و بین‌المللی و تجاوز جنگی و سایر موارد جاری است. این اصل در عرصه‌های سیاسی و نظامی به عنوان یک قاعده فقهی بر سایر ادله باب جهاد حکومت دارد؛ زیرا تمام شئون نظامی و دفاعی در گستره این قاعده قرار دارد و اجرای مقابله به مثل آن از سوی دولت‌هایی که مورد هرگونه تجاوز نظامی و... قرار گرفته است مشروع، بلکه گاه نیز واجب قلمداد شده است (ماهوشیزا، ۱۴۲۵، ص ۱۷۹). حتی برخی از اندیشمندان شیعه نیز در مقام مقابله به مثل، جنگ‌های روانی، میکروبی و شیمیایی را در مقابل دشمن به عنوان حکم ثانوی جایز دانسته‌اند (شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۴۷، ص ۱۹۲) تا چه رسد به آموزش علوم ساخت این نوع تسلیحات.

به هر حال، تا آن جا که بررسی شده است اصل بر جواز جاری است (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۹۹؛ الکاسانی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۷). از این رو، اگر چنانچه دشمن

با سلاح‌های کشتار جمعی علیه کشورهای اسلامی حمله کرد، بر نیروهای اسلام نیز، براساس اصل مقابله به مثل استفاده از چنین سلاح‌هایی واجب است (ماهو شیزا، ۱۴۲۵، ص ۱۷۹). پس وقتی که کار بست آن مجاز باشد مسلماً آموزش دانش ساخت آن نیز جایز خواهد بود.

۲-۱-۲-۳. آموزش برای بازدارندگی

یکی از مواردی که در آن جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای وجود دارد، آموزش برای دفع آسیب‌های کاربرد سلاح هسته‌ای از سوی دشمن است؛ یعنی تنها آموزش آن برای دفع آثار کاربرد باشد یا برای مهندسی معکوس باشد و نه تولید. در این فرض اگر احیاناً دشمن از سلاح هسته‌ای علیه نیروهای اسلام استفاده کند نیروهای متخصص و دانشمند بتوانند با آموزش این علوم راه‌کارهای درمان یا کمتر آسیب دیدن نیروهای خودی را فراهم کنند، مانند؛ تولید سپرهای دفاع هسته‌ای. البته تاکنون این سلاح دفاع‌ناپذیر تلقی شده است. ولی اگر از طریق آموزش این دانش بتوان به تولید سپر دفاعی و یا سایر راه‌کارهای دفاعی رسید، در این صورت نیز آموزش آن مجاز است. زیرا هدف از آموزش در این فرض توسل به سلاح هسته‌ای نیست بلکه برای مقابله با خسارت و آسیب‌های احتمالی ناشی از کار بست آن یا ارائه راه‌کارهای دفاعی است.

به نظر می‌رسد، در این فرض نیز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای جایز خواهد بود. زیرا اولاً؛ در این صورت آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای از گستره علوم مضر خارج می‌گردد و متصف به علوم نافع می‌شود. ثانیاً؛ بر آموزش آن جز نفع هیچ مفسده‌ای مترتب نمی‌گردد از این‌رو، آموزش آن شرعاً مجاز است.

۲-۱-۳. ادله حرمت

همان‌گونه که برای جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای دلایلی وجود دارد، برای حرمت آن نیز دلایلی اقامه گردیده است:

۲-۱-۳-۱. عقل

یکی از ادله حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای عقل است. سؤالی که در

این جا مطرح می‌گردد این است که آیا از نظر عقل آموزش این نوع دانش حرام است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت بلی؛ زیرا از نظر عقل فراهم نمودن مقدمه حرام، حرام است و از آن جا که آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای مقدمه حرام است و از سویی هم در حکم عقل به قبح ایجاد اسباب تحقق فعل حرام در خارج شک و تردید وجود ندارد، پس از نظر عقل حتی آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای نیز حرام است.

۲-۱-۳-۲. آیات

از جمله ادله مورد استناد مخالفان آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، آیات متعددی از قرآن کریم است که یکی از آن‌ها، آیه ۲۰۵ سوره بقره است. از منظر اصل فساد، آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز فسادآور است، زیرا قرآن در آیه ۲۰۵ سوره بقره به حرمت سعی در فساد حرث و نسل اشاره دارد: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] به حکومت و سلطه برسند، در راه فساد در زمین، می‌کوشد و زراعت و نسل را نابود می‌سازند، (با این‌که می‌دانند) خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد. از این آیه استفاده می‌گردد که نه تنها نفس افساد، حرام می‌باشد، بلکه حتی سعی و تلاش مقدماتی برای ایجاد فساد نیز حرام است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۴۸)؛ زیرا قرآن حرمت را روی سعی منتهی به فساد حرث و نسل برده است، خواه این سعی عملاً و مאלاً نیز منجر به فساد گردد یا نه. از آنجا که آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز مقدمه حرام است، از نظر آیه فساد، آموزش دانش فسادآور نظیر دانش ساخت سلاح هسته‌ای حرام خواهد بود.

۲-۱-۳-۳. روایات

در خصوص حرمت آموزش دانش فسادآور، مانند علوم ساخت سلاح هسته‌ای، روایاتی در منابع حدیثی وارد شده‌اند که از آن‌ها حرمت آموزش دانش فسادآور استفاده می‌گردد.

الف) روایات حرمت آموزش دانش فسادآور

امام علی^(ع) فرموده است: «شَرُّ الْعِلْمِ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ رَشَادَكَ»؛ بدترین علم آن دانشی است که موجب فساد هدایتت گردد؛ و یا فرموده است: «كُلُّ عِلْمٍ لَا يُؤَيِّدُهُ عَقْلٌ مَضِلٌّ»؛ هر علمی که مورد تأیید عقل نیست، گمراهی است (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۱۷). با توجه به این که آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای فسادآور هست قطعاً مورد تأیید عقل نخواهد بود.

ب) روایت تحف العقول

یکی دیگر از روایت‌هایی که می‌توان بر حرمت آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای به آن استناد کرد، روایت تحف العقول است. این روایت از امام صادق^(ع) به صورت مرسل وارد شده است. صاحب وسایل، صاحب حدائق (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۷، ص ۸۳-۸۶؛ بحرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۷۶). و شیخ انصاری آن را نقل کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷). اگرچه این روایت به جهت ارسال محلّ گفت‌وگو است (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸)، ولی از سوی دیگر این روایت مورد قبول و استناد بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام قرار گرفته و در بحث مکاسب محرّمه در موارد متعدّدی به آن استناد کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹ و ۳۹).

فرازی از آن روایت، آموزش دانشی را که جز فساد استفاده نداشته باشد، تحریم کرده است: «وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَلَا يَكُونُ مِنْهُ وَلَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَتَعَلُّمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَأَخْذُ الْأُجْرَةِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ»؛ آنچه که صلاح و خیرری در آن نیست و فساد محض است در این صورت آموزش و آموختن و کار بست آن و دریافت دستمزد بر آن و هرگونه تصرف در آن حرام است (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶). بر اساس این بخش از روایت می‌توان به حکم حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای رسید. زیرا بر آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای جز حرام مترتب نمی‌شود. از آنجاکه سلاح هسته‌ای مبعوض شارع و حرام است، بنابراین آموزش دانش ساخت آن نیز حرام خواهد بود. چون هدف شارع از نهی ریشه‌کنی ماده فساد است.

۲-۱-۳-۴. قواعد فقهی

یکی از مستندات شرعی که می‌توان بر حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای به آن استناد کرد، قواعد فقهی است که براساس آن قواعد کلی، فقیهان حکم مصادیق و فروع فقهی را استخراج می‌کنند. در میان این قواعد، برخی از آن‌ها، می‌تواند مستند حکم تحریم آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای قرار گیرد؛ بسان قاعده فقهی لاضرر که افزون بر مستند نقلی از پشتوانه عقلی نیز برخوردار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۸).

الف) قاعده لاضرر

از قاعده لاضرر نیز حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای قابل استفاده است، اما قبل از بررسی حکم آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای براساس قاعده لاضرر، نخست لازم است تا دیدگاه‌های مطرح در باره مفاد قاعده لاضرر، اختصاراً مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد:

۱) مفاد حدیث، نهی از ایجاد ضرر است؛ یعنی شارع مقدس از زیان رساندن به دیگران نهی می‌کند.

۲) مفاد حدیث لاضرر، نهی حکومتی است که از سوی پیامبر اکرم (ص) برای دفع مخاصمه میان ثمره بن جندب و فردی از انصاری صادر گردیده است.

۳) مفاد حدیث لاضرر، نفی حکم ضرری است. بدین معنا هر حکمی که از طرف شارع تشریح گردد اگر آن حکم مستلزم ضرر باشد، اعم از ضرر بر نفس مکلف یا غیر او یا ضرر مالی، حکم مزبور با توجه به ضرر، به موجب قاعده لاضرر نفی می‌شود.

۴) مفاد حدیث لاضرر، نفی ضرر غیر متدارک است به این معنا که شارع مقدس از ضرر غیر متدارک نفی کرده است و این معنی کنایه از وجوب تدارک ضرر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۸-۶۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۲۵؛ خمینی، ۲، ج ۱، ص ۷۳-۱۱۷؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۸-۸۱).

از میان چهار دیدگاه که درباره مفاد قاعده لاضرر ذکر شد، در این بحث مراد از

مفاد قاعده، نفی احکام ضرری است؛ مفاد «لاضرر»، یعنی «لاحکم ضرری فی الاسلام»، و «لاضرار» یعنی، «لا حکم ضراری فی الإسلام» در اسلام حکم ضرری و ضراری وجود ندارد؛ یعنی احکامی که موجب تضرر مکلف شود یا وسیله شود فردی با واسطه آن از طریق آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای به دیگری اضرار برساند در اسلام وجود ندارد و قهراً قاعده لاضرر، بر ادله اولیه باب جواز آموزش علوم حکومت دارد. بر این اساس در مورد آموزش هر دانش که عنوان مضره بر آن صدق کند، قطعاً قاعده لاضرر شامل آن می‌شود. پس در مسأله آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز چنین است. اگرچه از برخی ادله شرعی ظاهراً جواز آموزش آن استفاده می‌شود، لکن براساس قاعده لاضرر اگر آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای منجر به تولید این سلاح گردد، مسلماً مصداق بارز قاعده لاضرر و ممنوع است.

ب) قاعدهٔ إعانه بر اثم

قاعدهٔ «إعانه بر اثم» نیز یکی از ادلهٔ حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای است. برای حرمت إعانه بر اثم، فقهاء به آیات، روایات، اجماع و عقل استناد کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۶۵)، ولی مستند اصلی آن، آیه قرآن است: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید (مائده، ۲). از نظر مفهوم «إعانه» در لغت از ریشه عون به معنای یاری و جمع آن اعوان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۴۸۴، عبدالرحمن، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۲). اثم نیز به معنای عمل غیرمجاز و مخالفت با امر خداوند است که شامل فعل و ترک آن می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵؛ راغب، ۱۴۱۶، ص ۵). در اصطلاح إعانه به معنای یاری کردن فاعل معصیت در راستایی رسیدن او به فعل حرام است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۶۶).

هرچند در بارهٔ حرمت إعانه بر اثم بحث است که آیا هر عملی که به نوعی هرچند با اسباب بعید اگر منجر به تحقق فعل حرام گردد، إعانه و حرام است و یاخیر؟ آیا إعانه دیگری بر امر حرام مطلقاً حرام است یا علم به این که او آن کار را خواهد کرد هم دخیل است؟ یا بالاتر از علم، قصد معاون هم لازم است؟ یا بالاتر

از آن، تحقّق مُعان علیه (فعل مباشر) هم معتبر است یا نه؟ و در این بحث آیا بر آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز اِئمه بر اِئمه صادق است یا خیر؟ تا آنجا که بررسی شده است، فقها برای صدق «اعانه بر اِئمه» دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند، مانند حرمت مطلق (مشکینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۵۰۳)، حرمت ایجاد مقدمه با قصد تحقّق فعل از غیر (عاملی غروی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۱۲۴؛ نراقی، بی تا، ص ۷۶؛ انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۳؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۲۹۷)، حرمت در صورت وقوع عمل از سوی مُبَاشِر (نراقی، بی تا، ص ۷۵)، حرمت اعانه قصد معین و لازم بوده صدق عرفی (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۲۹۷). از برخی فقط انجام مقدمات قریب اعانه است (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۲)، یا با ایجاد برخی از مقدمات، اگر آن کار از دیگری صادر شود اعانه خواهد بود (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۲۹۷).

البته در این مقاله مجالی برای تبیین و نقد اقوال نیست. اما از میان اقوال و دیدگاه‌های فوق، نگارنده، تنها علم و اطلاع معاون از قصد مباشر را در صدق اِئمه بر اِئمه پذیرفته است. هواداران این دیدگاه برای حرمت اعانه به آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» و به برخی از روایات که صرف علم را کافی دانسته، استناد کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۷، ص ۱۷۶). لکن برخی دیگر دلالت این آیه را بر حرمت اِئمه بر اِئمه را نپذیرفته‌اند (منتظری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷) و معتقدند که اصل اولی جواز اِئمه بر هر فعل است (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۸؛ خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۱).

در مقابل، بسیاری از فقهای جهان اسلام اصل اولی را، حرمت ایجاد مقدمات تحقّق حرام در خارج دانسته‌اند؛ از این رو، روایات جواز را مخالف اصول ثابت مانند حرمت اِئمه بر اِئمه می‌دانند و معتقدند این اصل عقلی از نظر آنان تخصیص بردار نیست (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۱۹ و ۱۲۰). عرفاً نیز بر فراهم کردن مقدمات موصل به کار حرام اِئمه صدق می‌کند و ملاک صدق اِئمه بر اِئمه نیز دایره مدار همین درک عرفی است (سیفی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۱۲؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۰). از نظر عقل نیز همان‌گونه که ارتکاب منکر ناپسند

است، فراهم نمودن مقدمات منکر و کمک به فاعل آن نیز عقلاً قبیح می‌باشد. پس در بحث آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز چنین است، اگر کسی علم دارد که بعد از آموزش، این دانش منجر به تولید سلاح هسته‌ای و مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این حال به آموزش این نوع دانش پردازد، نفس این اقدام قبح عقلی دارد؛ اگرچه در صورتی که به قصد ساخت و کار بست آموزش ببیند قبح بیش‌تری دارد. هم‌چنین فرقی ندارد که معین یا آموزش‌دهنده دانش ساخت سلاح‌های هسته‌ای بدانند، کسی که هم‌اکنون این دانش را آموزش می‌بیند اراده حرام دارد و به او کمک کند، یا این‌که در هنگام آموزش قصد ساخت و کار بست آن را ندارد. اما یقین یا احتمال عقلایی وجود دارد که بعداً مرتکب حرام خواهد شد، در این صورت آموزش این دانش مقدمه کمک به جرم و قبیح است و این حکم عقلی، تخصیص‌بردار نیست (خمینی، ۱۴۱۵ ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵). بنابراین در بحث آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای حتی ما تابع صدق عنوان‌اعانه بر اِثم و مانند آن نیستیم، بلکه نفس آموزش و فراهم کردن اسباب فعل حرام (ساخت و کار بست سلاح هسته‌ای) جرم است؛ هر چند خود آن جرم محقق نشود. پس اگر کسی به یک دزد نردبان یا راه‌زین‌ه‌ای را بدهد به قصد این‌که وی دزدی کند، این کار اعانه بر ایجاد سرقت است و اگر به هر دلیلی سرقت واقع نشود بر کار او اعانه صدق خواهد کرد (همان، ص ۲۱۱).

نگارنده نیز در بحث آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، تحقق خارجی اِثم را شرط صدق اعانه نمی‌داند. زیرا اولاً: حرمت اعانه بر اِثم، حرمت نفسی است نه آن‌که حرمت غیره باشد و از حرمت اِثم و عدوان ناشی‌گردد تا در خصوص آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای گفته شود که هنوز ساخت و کاربرد سلاح هسته‌ای صورت نگرفته است، پس صرف آموزش این دانش اعانه بر اِثم نیست. در حالی که خود اعانه منهی و حرام نفسی است. ثانیاً: هدف از تحریم اعانه بر اِثم، قطع ماده فساد می‌باشد. اگرچه از منظر عرف و لغت، قصد ترتب حرام در صدق اعانه هم دخیل باشد، ولی از نظر شرع، مطلقاً حرام است و لو قصدی نباشد و مجرد علم به ترتب حرام باشد؛ زیرا غرض اصلی شارع مقدس، از نهی اعانه بر اِثم و عدوان، این است که ماده فساد

ریشه‌کن شود و این ملاک در فرض علم آموزش‌دهنده به ساخت و استفاده حرام وجود دارد و به همین دلیل خصوصیت قصد یا توصل به حرام ملغی است و در فرض علم به ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای هم حرام است (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۴). بنابراین از دیدگاه کسانی که تحقق خارجی اِثم و عدوان را شرط صدق عرفی اِغانه بر اِثم نمی‌دانند، صرف آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای با علم به ساخت و استفاده و یا ظن و احتمالی عقلایی برای صدق اِغانه بر اِثم و حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای کافی است.

۲-۲. دیدگاه جواز و نقد آن

۲-۲-۱. اقوال

در باره آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای هیچ‌گونه تصریحی در آیات، روایات و دیدگاه فقهای سابق جهان اسلام نسبت به اصل جواز آن وجود ندارد. باین حال جواز آموزش آن از دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر قابل استفاده است؛ از جمله، آیت الله محسنی قندهاری بر اساس آیه اعداد، افزون بر داشتن، یادگیری و دانستن نحوه کاربرد تسلیحات نظامی را لازم دانسته است: «فالواجب هو اعداد القوّة و هی فی مثل زماننا عبارة عن الرجال العسکریین المدربین العالمین بفنون الهجوم و الدفاع، و بکیفیه استعمال الأسلحة، و إطارة الطائرات، و بمقدار مقاومة الآلات الحریة، و نحو ذلك، و عن الدبابات، و الطائرات، و القنبلات الذریة، و الهیدروجنیة و نحوها ممّا هو متعارف الیوم و ما یتعارف غدا»؛ براساس آیه، اعداد قوه، واجب است و در عصر ما اعداد قوه عبارتند از؛ داشتن نیروهای نظامی تعلیم‌دیده و آگاه به فنون تهاجم و دفاع و آگاه به نحوه کاربرد سلاح و به پرواز در آوردن هواپیماهای جنگی و دانستن اندازه مقاومت تسلیحات جنگی و امثال آن، و نیز داشتن تانک‌ها، هواپیماهای جنگی و بمب‌های اتمی و امثال آن‌ها از قبیل سلاح‌های که امروز مرسوم است و تسلیحاتی که در آینده رواج خواهد پیدا کرد از مصادیق اعداد قوه است (محسنی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۳۳).

به‌رغم این‌که ایشان تصریح بر جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نکرده

است اما تولید، داشتن و کار بست تسلیحات جنگی، فرع بر یادگیری دانش و فنون ساخت، نگه‌داری و نحوه استفاده از تسلیحات نظامی است. افزون بر آن از جمله «و نحو ذالک» نیز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای قابل استفاده خواهد بود.

رشیدرضا نیز از آیه اعداد افزون بر وجوب ساخت انواع سلاح‌های جنگی، وجوب آموزش علوم و فنون ساخت تسلیحات جنگی را نیز استفاده کرده است: «فَالْوَاجِبُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فِي هَذَا الْعَصْرِ بِنَصِّ الْقُرْآنِ صُنْعُ الْمَدَافِعِ بِأَنْوَاعِهَا وَالْبِنَادِقِ وَالذَّبَابَاتِ وَالطَّيَارَاتِ وَالْمَنَاطِيدِ وَإِنْشَاءِ السُّفُنِ الْحَرْبِيَّةِ بِأَنْوَاعِهَا، وَمِنْهَا الْعَوَاصِاتُ الَّتِي تَعْوِضُ فِي الْبَحْرِ، وَيَجِبُ عَلَيْهِمْ تَعَلُّمُ الْفُنُونِ وَالصَّنَاعَاتِ الَّتِي يَتَوَقَّفُ عَلَيْهَا صُنْعُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَغَيْرِهَا مِنْ قُوَى الْحَرْبِ بِدَلِيلٍ: مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ الْمُطْلَقُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ»؛ بر اساس نص قرآن کریم، در این زمان بر مسلمانان، تولید انواع توپ، تفنگ، تانک، هواپیما و انواع ناوهای جنگی، از جمله زیردریایی‌ها واجب است، یادگیری فنون و روش‌های ساخت صنایع که ساختن این اشیاء و غیر آن‌ها از تجهیزات جنگی بر آن متوقف می‌باشد نیز واجب است. زیرا «مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ الْمُطْلَقُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ»، هر آنچه که انجام واجب مطلق بدون آن امکان‌پذیر نیست، دانستن، داشتن و ساخت آن واجب است (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ج ۱۰، ۵۳-۵۴).

هرچند که رشیدرضا تنها بر وجوب آموزش دانش ساخت سلاح‌های جنگی تصریح کرده، نه بر آموزش علوم ساخت، نگه‌داری، توسعه و کاربرد سلاح هسته‌ای. اما یادگیری و آموزش علوم و فنون تسلیحات هسته‌ای نیز بر اساس دیدگاه ایشان واجب خواهد بود؛ زیرا داشتن و ساخت این نوع سلاح‌ها فرعی بر آموزش دانش ساخت آن‌ها است و سلاح هسته‌ای نوعی از تجهیزات جنگی می‌باشد.

زحیلی از فقهای معاصر نیز از آیه ۶۰ سوره انفال، اعداد نیروی مادی و معنوی را استفاده کرده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ... أَى هَيِّئُوا لِقِتَالِ الْأَعْدَاءِ مَا أَمْكَنَكُمْ مِنْ أَنْوَاعِ الْقُوَى الْمَادِيَّةِ وَالْمَعْنَوِيَّةِ الْمُنَاسِبَةِ لِكُلِّ زَمَانٍ وَ مَكَانٍ»؛ برای جنگ بادشمن، آنچه که در توان دارید؛ از انواع قدرت و نیروی مادی و معنوی متناسب هر زمان و مکان آماده کنید (وهبة الزحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۴۹-۵۰). البته از «قوه معنوی»

تحصیل دانش اختصاصی ساخت سلاح‌های جنگی را نیز می‌توان استفاده کرد. بنابراین؛ عموماً کسانی که تولید سلاح هسته‌ای را مجاز می‌دانند، از نظر آنان آموزش دانش ویژه‌ای ساخت سلاح هسته‌ای نیز جایز خواهد بود.

۲-۲-۲. ادله جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای

برای جواز آموزش دانش و فنون ساخت تسلیحات هسته‌ای می‌توان به عقل، آیات و روایات استناد کرد.

۲-۲-۲-۱. عقل

از نظر عقل آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای اگر موجب بازدارندگی گردد، مجاز خواهد بود.

۲-۲-۲-۲. آیات

اما اصلی‌ترین دلیل که ظاهراً بر جواز آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای دلالت دارد، آیاتی از قرآن کریم است.

الف) آیه اعداد

یکی از مهم‌ترین دلیل قرآنی بر جواز آموزش دانش اختصاصی تولید تسلیحات هسته‌ای، آیه ۶۰ سوره انفال است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُفْقِحُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ قرآن در این آیه، برآمدگی و کسب توان در برابر دشمنان دستور می‌دهد تا نیروهای اسلام خود را با فنون و علوم روزآمد، در برابر دشمن مجهز سازند.

آیه فوق به چند دلیل، مستند حکم جواز آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای است؛ اولاً، از امر به «اعداد» در آیه وجوب فرازمانی و مکانی آن استنباط می‌شود و ثانیاً، هم «مَا اسْتَطَعْتُمْ» و هم «مِنْ قُوَّةٍ» اطلاق دارد و از آن عمومیت هر نوع قدرت اعم از نیروی انسانی و جنگ‌افزار نظامی فنون و دانش آن هم متناسب با شرایط هر عصر و زمان استفاده می‌شود. ثالثاً، واژه «قُوَّةٍ» دارای معنای بسیار وسیع است که

نه تنها جنگ‌افزار و سلاح‌های مدرن هر عصر را در برمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌های مادی و معنوی را نیز شامل می‌شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۴۸؛ راوندی، ۱۴۰۵ ج ۱، ص ۳۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۲۲-۲۲۵؛ طیب، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۵۱).

برخی از مفسران با استناد به عمومیت لفظ «مَا اسْتَطَعْتُمْ» و نکره بودن واژه «قُوَّة» اطلاق آن را، از آیه شریفه عموم را استفاده نموده و معتقدند هرگونه نیرویی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۲۵؛ آلوسی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۴). با توجه به آنچه که ذکر شد، از آیه اعداد جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای قابل استفاده است.

ب) آیه حِذْر (آماده‌باش)

یکی از ادله جواز آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای، آیه آماده‌باش دائمی در عرصه جنگ است که فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد - طبق شرایط هر زمان و هر مکان - به سوی دشمن حرکت نمائید (نساء، ۷۱). در آیه فوق قرآن به مسلمانان، برای حفظ بقاء و موجودیت سیاسی، نظامی و اجتماعی آنان دستور می‌دهد تا همیشه مراقب و آمادگی داشته باشد.

«حِذْر» در آیه شریفه فوق به معنایی مطلق بیداری و آماده‌باش دائمی در برابر دشمنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳). با این وجود، بعضی از مفسران «حِذْر» را در این آیه تنها به معنی اسلحه تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۱۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۳۷). در حالی که «حِذْر» معنای وسیعی دارد و مخصوص (اسلحه) نیست. افزون بر آن، آیه ۱۰۲ همین سوره دلیل روشن است که «حِذْر» با اسلحه تفاوت دارد، آنجا که می‌فرماید: «أَنْ تَصْعُقُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ»؛ مانعی ندارد که هنگام ضرورت، یا موقع نماز در میدان جنگ سلاح خود را به زمین بگذارید، ولی حِذْر و آماده‌باش را از دست ندهید (نساء، ۱۰۲).

برخی نیز معتقدند «حِذْر» در آیه، کنایه از بیداری یا آماده‌باش در برابر خطر است، «حُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی آمادگی و بیداری خود را در مقابل خطر دشمن حفظ کنید و خیال نکنید که دشمن خوابیده، بلکه دشمن همیشه بیدار است. بنابراین آیه فوق بر آمادگی در عرصه‌های اطلاعاتی، نظامی، تسلیحاتی، بر آمادگی علمی نیز دلالت دارد (آیت‌الله نوری، درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۷/۲۲). این آیه دستور همه‌جانبه به مسلمانان می‌دهد که برای حفظ امنیت خود و دفاع از مرزهای خویش، دائماً مراقب دشمن باشند تا باید یک نوع آماده‌باش (مادّی و معنوی) دائمی بر اجتماع سیاسی آن‌ها حاکم باشد. به نظر برخی از مفسرین معنای واژه «حِذْر» به قدری وسیع است که هرگونه وسیله مادّی و معنوی را شامل می‌شود که مسلمانان برای دفاع از خود، زمینه هرگونه آمادگی (مادّی و معنوی) را، با بسیج منابع فرهنگی، اقتصادی، انسانی، سیاسی و نظامی و هم‌چنین تولید و استفاده از سلاح‌های استراتژیک و طرز به‌کار گرفتن آن‌ها را فراهم سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۴).

ج) آیات مقابله به مثل

آیات مقابله به مثل، نیز یکی دیگر از ادله جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای است. جواز مقابله به مثل، در آیاتی قرآن کریم مطرح شده است نظیر اعتداء به مثل، «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ» (بقره، آیه ۱۹۴). معاقبه به مثل «وَ اِنْ اَعَقَبْتُمْ فَاَعَقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ» (نحل، ۱۲۶) و جزاء مثل «وَ جَزَاءُ سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری، ۴۰). اما در این تحقیق مراد از آن استفاده از سلاح هسته‌ای در مقام مقابله به مثل است.

در فقه اسلامی نیز ظاهراً تا حدودی قانون مقابله به مثل یک امر پذیرفته شده است و هرکسی که به ناحق به حریم دیگری تجاوز کند، دیگری حق مقابله به مثل را دارد، مستند آن هم آیه ۱۹۴ سوره بقره است: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِیْنَ»؛ هر کس به { حقوق } شما تجاوز کرد، پس بر او به مانند آن چه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید و از خدا پروا نمایید و بدانید که خدا با پروا

پیشگان است.»

این قاعده، در بسیار از ابواب فقه به نحو اجمال جاری می‌گردد. از منظر روایت نیز مقابله به مثل مشروع است؛ امیر مؤمنان^(ع) در این باره می‌فرماید: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ؛ سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، بازگردانید که شر را جز شر پاسخی نیست.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۴، ص ۵۳۰). در حقوق نیز اصطلاح مقابله به مثل یا اقدام تلافی جویانه، از اصطلاحات رایج و پرکاربردی حقوق بین‌الملل است (عمید، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۱۷)؛ بنابراین، در شرایط مقابله به مثل آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای مجاز خواهد بود.

۲-۲-۳. روایات

اکنون روایتی که بر جواز آموزش دانش صنایع اسلحه‌سازی اشاره دارد مورد بحث قرار می‌گیرند:

الف) روایت تحف العقول

یکی از روایت‌های که می‌توان بر جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای به آن استناد کرد، بخش از روایت تحف العقول است. بخشی از آن بر جواز آموزش دانش که دارای منافع عقلانی است دلالت دارد: «وَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الصَّلَاحُ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ...» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶) هر آن چیزی که جهتی از زندگی انسان را اصلاح نمایند، در این صورت آموزش و... آن جایز و حلال است.» بر اساس این بخش از روایت، هر آن چیزی که جهتی از زندگی و معاش آدمیان را اصلاح نمایند، آموزش و سایر تصرفات آن جایز است. این عنوان عام است تمام موارد را که امروزه زندگی اجتماعی و سیاسی مردم به آن وابسته است، شامل می‌شود؛ مانند عرصه‌های سیاسی و نظامی، از قبیل آموزش دانش ساخت سلاح‌های نظامی و دفاعی که برای ارتقای قدرت سربازان اسلام لازم است. بنابراین، با استفاده از این فقرة روایت، نیز می‌توان به حکم جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای رسید.

ب) قاعده نفی سبیل

یکی از ادله‌ی جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، قاعده نفی سبیل یا حفظ استقلال و عزت مسلمانان جهان اسلام است، افزون بر روایت «الإسلام یعلو ولایعلی علیه.» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۴) مستند اصلی قاعده نفی سبیل، آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» بر اساس آیه فوق، خداوند متعال به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد تا کفار بر مسلمانان تسلط پیدا کند. از این‌رو، این آیه هر نوع سیطره کفار بر مسلمانان را در عرصه‌ای سیاسی، نظامی و علمی نفی می‌کند. بنابراین آموزش دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای باعث حفظ اقتدار و عزت مسلمانان و برتری نیروهای اسلام در عرصه‌های نظامی و دفاعی می‌گردد. پس بر اساس قاعده نفی سبیل، آموزش دانش ساخت سلاح‌های هسته‌ای مجاز است. افزون بر آن حتی برخی تولید این نوع سلاح‌ها را برای دولت اسلامی لازم و واجب قلمداد کرده‌اند. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸).

۲-۳. نقد ادله جواز

در پاسخ به ادله‌ای که ظهور در جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای دارد، باید گفت که قبل از نقد سؤالاتی را، مطرح کرد، سپس ضمن نقد، پاسخ دقیق به سؤال‌ها نیز ارائه کرد. آیا واقعاً می‌توان از اطلاق آیه اعداد، حکم اولی جواز آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای را استفاده کرد؟ آیا آموزش دانش تولید تسلیحات که کاربست آن مطلقاً حرام است! کاری بیهوده و مصداق افساد، اعانه بر اثم و اضرار نیست؟ برای دستیابی به پاسخ سؤال‌های فوق چند نکته لازم است:

الف) اولاً، شایسته است مفسران و اندیشمندان جهان اسلام آیه اعداد را، در پرتو آیات دیگر قرآن مجید تفسیر نمایند؛ آیاتی که دلالت روشن و قاطع بر اعانه بر اثم، نفی فساد حرث و نسل، ضرر، اسراف، تبذیر و قتل شهروندان عادی دارد. بی‌گمان نگاهی سیستماتیک و نظام‌وار، در بررسی یک دلیل سبب می‌شود تا ادله مخالف نیز هم‌زمان مورد بررسی قرار گیرد و ممکن است بعد از تحلیل و بررسی ادله موافق

و مخالف، آن نگاه تک‌گزاره که باعث ظهور و اطلاق شأنی دلیل گشته بود محدود گردد. پس به نظر می‌رسد، در آیه اعداد نیز این نگاه و برداشت غیر نظام وار، باعث شده است تا از ظهور شأنی آیه اعداد، حتی لزوم آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای استفاده گردد.

ثانیاً، چنان‌که ذکر شد، بر اساس آیه اعداد «قوة»، هدف از تحصیل دانش ساخت سلاح‌های نظامی، ایجاد رعب در دل دشمن است. لکن آیه این را نمی‌رساند که حتی آموزش دانش ساخت سلاح‌های فسادآور و غیر انسانی مجاز است تا از شما بترسد. از این رو، برخی با وجود که مفهوم «قوه» را بسیار وسیع می‌داند، اما در عین حال معتقدند که سلاح‌های کشتار جمعی حرام را شامل نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸) بنابراین روش آمادگی و ساخت ابزار نظامی مشروع، در آیه اعداد، مفروغ‌عنه گرفته شده است، به این دلیل از اطلاق امر به وجوب اعداد نمی‌توان مشروعیت هرگونه روش و آموزش دانش ساخت تسلیحات نظامی و دفاعی را به دست آورد. پس هرگونه شیوه آمادگی و اعداد، با زمینه‌های حرام و نامشروع، از جمله آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای از اطلاق آیه شریفه اعداد، تخصّصاً خارج است.

ب) از سوی دیگر هدف نهایی آیه اعداد و آیات جهاد صرف آمادگی نیست، بلکه برای اعتلای «کلمة الله» و زمینه‌ساز گسترش خداپرستی در جهان است. ولی این هدف با دستیابی به دانش تولید سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی هرگز ممکن نخواهد شد. زیرا فلسفه اصلی جهاد با تحصیل سلاح هسته‌ای منافات دارد؛ هدف از جهاد هدایت و جذب انسان‌ها به مکتب توحید است، ولی آموزش دانش تولید و کار بست تسلیحات هسته‌ای، نه تنها باعث جذب بلکه باعث نابودی نسل بشر و سایر موجودات زنده می‌شود.

ج) در خصوص آیه حذر نیز می‌توان گفت این آیه تنها در مقام بیان آماده‌باش و اتخاذ روش‌های مشروع است، نه در صدد بیان آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای نامشروع که هیچ کاربرد جز حرام ندارد.

د) اما در مورد بررسی روایت تحف العقول باید گفت روایت مشکل دارد؛ زیرا از نظر سند مرسل است و از لحاظ متن نیز مضطرب. از این رو، در بحث آموزش دانش تولید سلاح هسته‌ای اعتماد به آن بسیار مشکل است. از سوی دیگر نمونه‌ای از سلاح کشتار جمعی بسان؛ (سم) در عصر بیان ادله وجود داشته است اما نه تنها هیچ‌گونه دستوری برای آموزش دانش ساخت آن، برای آماده‌باش دفاعی از سوی شارع صادر نشده است، بلکه حتی از کاربرد آن در درگیری‌های نظامی نیز نهی شده است: «قَالَ: عَلِيٌّ (ع) إِنَّ النَّبِيَّ (ص) نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛ رسول خدا (ص) از پاشیدن سم در شهرهای مشرکان نهی کرده است.» (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۶۲، ح ۱).

به نظر می‌رسد، این روایت، افزون بر حرمت ساخت و کار بست سلاح هسته‌ای، بر حرمت آموزش دانش تولید آن نیز دلالت روشن دارد. زیرا تولید و کاربرد سلاح، فرع بر آموزش دانش تولید آن است. مسلماً سلاح که از نظر اسلام مشروعیت کاربردی ندارد، یقیناً آموزش دانش ساخت آن نیز مفسده آور و حرام است.

و) در بحث جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای در صورتی مقابله‌به‌مثل نیز باید گفت، اولاً؛ قطعاً آیه، اطلاق ندارد تا از آن حتی مقابله‌به‌مثل با سلاح هسته‌ای استفاده گردد. ثانیاً؛ برفرض که مقابله‌به‌مثل اطلاق داشته باشد، ولی عمومیت آن با سایر ادله شرعی محدود خواهد شد. ثالثاً؛ هرچند برخی باور دارد که اصل جواز اقدام تلافی جویانه است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳) ولی در مقابل بسیاری از اندیشمندان و فقها اصل را عدم جواز مقابله‌به‌مثل دانسته‌اند و اجرای آن را تنها در موارد که شارع مجاز دانسته‌اند مشروع می‌دانند. زیرا اقدام تلافی جویانه از آنجاکه ظلم، تجاوز و گناه است، نمی‌توان آن را بر اساس اصل دانست بلکه تنها در آن مواردی که شارع اجازه داده است، اجرای آن مجاز خواهد بود. (غزالی، بی‌جا، ج ۳، ص ۲۷۹).

بنابراین، قاعده مقابله‌به‌مثل، بسان بسیاری از قواعد فقهی و عموماً، دارای استثناهایی است؛ به این دلیل اگر کسی به فردی ظلم کرد، شخص مظلوم مجاز

به ظلم علیه او و یا دیگران نیست؛ زیرا ظلم شرعاً و عقلاً حرام است و این حکم تخصیص برنمی‌دارد. تا ظلم علیه ظالم جایز باشد؛ و یا اگر شخصی، اموال و املاک فردی را غصب کرد، فرد متضرر نمی‌تواند از باب اقدام تلافی جویانه اموال غاصب را نیز غصب کند؛ و هم‌چنین کسی که مالش توسط شخصی سرقت شده است، از باب مقابله به مثل مجاز به سرقت مال سارق نیست؛ و یا آن کسی که غارت‌گران اموال او را غارت کرده‌اند، وی مجاز به راه زنی از آنان نیست. (علی حیدر، درر الحکام، ج ۲، ص ۶۷)

رابعاً؛ اجرای مطلق مقابله به مثل، مخالف ادله حرمت کشتار بی‌گناهان و وزیر است؛ در فقه قاعده تحت عنوان وزیر وجود دارد که مستند آن افزون بر عقل، آیتی از قرآن کریم است؛ مانند آیات ۱۵ اسراء، ۱۶۴ انعام، ۷ نجم و ۱۸ فاطر «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ بردارنده بار گناه دیگری را برنمی‌دارد.»

خامساً؛ در بحث اقدام مقابله به مثل همان‌گونه‌ای که ذکر شد، باید موضوع آن تنها خود شخص متجاوز و جانی باشد، زیرا قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ؛ (بقره، ۱۹۴) و هر کس به شما تجاوز کرد، پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید.» پس بر اساس آیه اعتدا به مثل نیز، اقدام متقابل صرفاً در برابر متجاوز جایز است. از این رو، غیر متجاوزین از آیه اعتدا موضوعاً خارج است (الخلف، ۱۴۲۸، ص ۹۹)؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ (بقره، ۱۹۰) و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.»

سادساً؛ اقدام مقابله به مثل نباید باعث اسراف در کشتار گردد. زیرا آیه «اسراف در قتل» نیز کشتار غیر متجاوزین را تحریم کرده است. پس در اقدام متقابل یا قصاص نیز کشتار غیر قاتل از نظر اسلام «اسراف در کشتار» است، قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا؛ (اسراء، ۳۳) اسراف در قتل هم به معنای گذر از حد

شرعی کشتن انسان‌ها است که در برخی از روایات تفسیری نیز مراد از «اسراف در کشتار» کشتن غیر قاتل و یا مثله کردن قاتل دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۲۹، ۱۲۷، ح ۲؛ کلینی، ۱۴۳۰، ج ۱۴، ص ۵۳۵). از این‌رو، آموزش دانش ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در حالت مقابله به‌مثل و قالب حکم ثانوی نیز حرام است.

نتیجه‌گیری

درباره آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه جواز و دیدگاه حرمت؛ بر اساس ادله جواز، آموزش علوم و دانش ساخت سلاح هسته‌ای برای آمادگی نظامی و دفاعی لازم است همان‌گونه که اصل تولید تسلیحات جنگی ضرورت دارد. اما بر اساس دیدگاه حرمت آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای از باب إعانه بر اثم، فساد و مقدمه فساد حرام است، مگر در صورتی که آموزش آن منجر به بازدارندگی و یا مقابله با آسیب‌های کاربست سلاح هسته‌ای گردد

فهرست منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمّد بن مكرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
۲. آلوسی، شهاب الدين سيد محمود (۱۴۲۲)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم، تحقيق: علی عبدالباری عطيه، بيروت: دارالکتب العلمیه چاپ دوم.
۳. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱)، کتاب المکاسب، قم: دارالذخائر.
۴. بجنوردی موسوی، سید میرزا حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
۵. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۷. الخلف، جمیل بن عبدالحسین (۱۴۲۸)، قاعدة المعامله بالمثل وتطبيقاتها الفقهیه، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۸. خمینی، روح الله (۱۴۱۵)، المکاسب المحرّمه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، روح الله (۱۴۱۵)، بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
۱۰. خوانساری، آقا جمال الدين محمد (۱۳۶۶)، شرح برغررالحکم و دُزراکلم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه فی المعاملات، قم: مکتبه الداوری.
۱۲. راوندی، قطب الدين سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن، تحقيق: سيد احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۳. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰)، تفسیرالقرآن الحکیم (تفسیرالمنار)، مصر: هیئته المصریه العامه للکتاب.
۱۴. الزحیلی، دکتر وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸)، التفسیرالمنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، دمشق: دارالفکر المعاصر.
۱۵. سبحانی، سعید (۱۴۲۰)، نیل الوطر من قاعده لاضرر، قم: بی نا.
۱۶. سیفی، علی اکبر (۱۴۲۵)، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیه الاساسیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. شیخ صدوق، ابوجعفر محمدبن علی (۱۴۰۴ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیرالقرآن، تحقیق: احمد حبیب قیصرالعاملی، بیروت: مکتب الاعلام العالمی.
۱۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶)، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، قم: مؤسسه سبّطین.
۲۰. عاملی غروی، جواد بن محمد (۱۴۱۹)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۲۲. غزالی، محمد (بی تا)، احیاءالعلوم الدین، محقق: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۳. فخرالرازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، التفسیرالکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۴. کلینی، محمّد بن یعقوب (۱۴۳۰)، الکافی، قم: مؤسسه دارالحديث العلمیه والثقافیه.
۲۵. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۹)، حدود الشریعه، قم: بوستان کتاب.

۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۷. مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۸۰)، الفقه الإسلامی احکام جهاد، قم: انتشارات محبان الحسین^(ع).
۲۸. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۲۷)، الفقه الإسلامی (تعليقات على العروة الوثقى ومهذب الأحكام)، بیروت: دارالقاری.
۲۹. مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۳)، اصطلاحات الأصول و معظم ابحاثها، چاپ پنجم، قم: دفتر نشر الهادی.
۳۰. مشکینی، میرزا علی (۱۴۳۴)، مصطلحات الفقه، قم: مؤسسه دارالحديث العلمیة والثقافیة.
۳۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریة.
۳۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، مجمع الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، لجامعه المدرسين بقم.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۳)، تفسیرنمونه، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، القواعد الفقهیه، چاپ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین^(ع).
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶)، انوارالفقاهه، کتاب التجاره، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع).
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶)، نفحات الولاية، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع).
۳۷. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۷)، دراسات فی المكاسب المحرمة، چاپ اول، قم: مكتبة آیت الله العظمی المنتظری.

۳۸. نراقی، المولی احمدبن محمد مهدی (بی تا)، عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام، بی جا.

۳۹. نراقی، المولی احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.